**بسم الله الرحمن الرحیم**
**مسجد جلوه گاه حماسه حضور سیاسی مردم**

**ایجاد انگیزه:**

در طول تاریخ زندگی انسان بر روی زمین، ابنیه و مکان‌ها نقش مهمی را در شکل‌گیریِ تحولات اجتماعی، به خصوص مبارزات و انقلاب‌ها ایفا کرده‌اند. برای مثال، غار حرا را می توان یکی از مکانهایی که در آن ایجاد تحول در پیامبر و مبعوث شدن ایشان به پیامبری نام برد و همچنین سرزمین مقدس را برای حضرت موسی به عنوان مکانی برای ایجاد مقام رسالت نام برد.

در روزگار معاصر در کشور ما می توان به مدرسه‌ی فیضیه قم محلی برای ایجاد نطفه‌ی انقلاب در سال 57 اشاره داشت.

اما یک سؤال، اسلام چه مکان و بنایی را به عنوان نماد و سمبل مبارزه و قیام برای حضور سیاسی مردم بیان کرده است؟ به عبارت دیگر، بیداری توحیدی و اسلامی برای اسلام سیاسی از چه مکانی آغاز می‌شود؟

**اقناع اندیشه**
مردم به عنوان موثرترین پایگاه و پشتوانه‌های اصلی یک حکومت‌ محسوب می‌شوند و یکی از دغدغه‌ها و اهداف حکومت‌ها به دنبال جلب اعتماد مردم به خود است، زیرا این اعتماد، سبب تقویت پایه‌های حکومت می‌شود.
اما در اسلام، نقش مردم در حکومت، بسیار حیاتی‌تر از سایر حکومت‌ها است. در مدل اسلامی نقش مردم و حضور امام دارای یک ماهیت است و در زمان غیبت دارای ماهیت دیگری است. لذا نقش مردم در زمان حضور خود معصوم، بصورت بیعت بوده است. لذا باید اذعان کرد که در زمان حکومت معصوم بیعت از باب مشروعیت بخشی نیست، بلکه فقط اعتراف و اظهار آمادگی و قول وجدانی است. بیعت با پیامبر(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی (علیه السلام) ازاین نوع است. در حکومتی که بر اساس نص نیست بلکه بر اساس شورا است، الزام حکومت به اطاعت بعد از بیعت صورت می‌گیرد و ماهیت پیمان را دارد و قبل از بیعت هیچ الزامی در کار نیست و بیعت آن را الزام آور می کند. در هر دو نوع حکومت بیعت ضروری است[[1]](#footnote-2).
بر این اساس باید اذعان داشت که در ادبیات انقلاب اسلامی، مقبولیت مردم امری کمّی است، ولی مشروعیت داشتن بیشتر امری کیفی است، به عبارتی، مقبولیت حکومت به آن است که بتواند مسائل و مشکلات روزمره مردم را حل و فصل کرده و خواسته ها و نیازهای آنان را بر آورده سازد، اما مشروعیت حکومت با پذیرش ساختار پیشنهادی به دست می آید.
بدین جهت است که خداوند در قرآن به نقش موثر مردم در تغییرات و تحولات اشاره می‌کند.
خداوند در قرآن می فرماید:
«إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّي يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ [رعد/11] (امّا) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!» این آیه بدین موضوع اشاره می کند که کلید تحولات و تغییرات در جامعه بدست خود ما انسانها است و هرگونه ظلم و ستم و تعدی که به ما غالب می شود از خودمان به خودمان می رسد.
لذا این اصل قرآنی می گوید: برای پایان دادن به بدبختی ها و ناکامی ها باید دست به انقلابی از درون بزنیم: یک انقلاب فرهنگی، فکری، ایمانی و اخلاقی و این آیه بر اساس این اصل این نکته را بما متذکر می شود که هرگونه تغییرات برونی متکی به تغییرات درونی ملتها و اقوام است[[2]](#footnote-3).
از طرفی همانطور که می‌دانیم مسجد تجلی‌گاه و ماوایی است که اسلام از هنگام تولد خود این محل را برای تجمع و محلی برای اجتماعات و همچنین محلی برای راز و نیاز و دعا برگزید، بطوری که می توان مسجد را در عین اینکه محلی برای ارتباط با خدا می باشد در نظر بگیریم، می توان آن را محلی برای گفت و شنود و ارتباط مردم با یکدیگر و محلی برای تبادل و اظهار نظرها بیان داشت. لذامی توان این کار فرهنگی دین اسلام را به فال نیک گرفت که از طرفی مشورت و تبادل نظر در جایی که اقامه‌ی صلات صورت می پذیرد. یعنی تلاقی دین و اجتماع و این همان تاثیر مسجد برای حضور سیاسی مردم در جامعه می‌شود
مقام معظم رهبری در مورد این نقش مسجد و تلاقی کار اجتماعی و دینی می فرمایند:
«مسئله، اهمّیّت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عدّه‌ای دُور هم جمع می‌شوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار می‌کنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتّفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتّفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل‌] روم باستان که در حمّامها آن‌وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل می‌شد و دُور هم مردم جمع می‌شدند و رفتن حمّام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق می‌کند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن‌وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهت دیگری پیدا می‌کند، دلها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.»[[3]](#footnote-4)

**متن و محتوا**

**نقش و اهمیت اجتماع در مسجد برای تجلی حضور**
**الف: مسجد مرکز جنبش اسلامی**

بدرستی می توان یکی از خلاقیتها و کارهایی که تاثیر بسزایی در نشر و انتشار دین مبین اسلام داشته است را تاسیس مسجد در اولین قدم برای تبلیغ دین بعد از مهاجرت پیامبر به مدینه دانست، ساخت مسجدی به عنوان محل عبادت و قرارگاه سیاسی و مرکز حکومت اسلامی بوده است. پس از آن نیز در طول سال‌های حضور ایشان در مدینه، مساجد به عنوان مرکز اجتماع مسلمین برای دریافت دستورات اجتماعی و سیاسی پیامبر و محلی برای رایزنی و مشاوره درمورد امور مهمی مانند جنگ‌ها بوده است.

 این سیره و روش را ما دقیقا می توانیم بعد از پیامبر اکرم در زمان جانشینان ایشان نیز مشاهده کنیم. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در دوره حکومت خود، هنگامی که وارد شهر کوفه شدند، به قصری که سال‌های پیش از آن به عنوان دارالحکومه در آنجا تأسیس شده بود، نرفتند و محل استقرار حکومت خویش را در مسجد کوفه قرار دادند.

حتی می توان اظهار داشت که مطابق روایاتی که در منابع شیعی نقل شده، محل و مرکز حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز در شهر کوفه و مساجد اصلی آن خواهد بود.
امام صادق(علیه السلام) در روایتی به این امر سفارش می فرمایند:

«قَالَ الْمُفَضَّلُ قُلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ تَكُونُ دَارُ الْمَهْدِيِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَة. مفضل می‌گوید خطاب به مولایم امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آقای من، (پس از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف))، محل سکونت مهدی و محل اجتماع مؤمنین در کجا خواهد بود؟ امام فرمودند: مرکز حکومتش کوفه است و محل حکمرانی او مسجد جامع کوفه خواهد بود و محل بیت المال و تقسیم غنائم مسلمانان در مسجد سهله خواهد بود.»[[4]](#footnote-5)
امام خمینی نیز مسجد را محلی برای تحرک و جنبش‌های اسلامی معرفی می کنند. ایشان در این زمینه می فرمایند:
«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده... از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام(ص) و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار دهید.»[[5]](#footnote-6)
مقام معظم رهبری نیز در این مورد می فرمایند:
«در مسجد، پیغمبر اکرم نمی‌رفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا میزدند: اَلصلوةُ جامِعَة، بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله‌ی جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیّه‌ی چیزها...»[[6]](#footnote-7)

بنابر این با توجه به زندگانی و سیره معصومین می توان دریافت که مسجد نقشی پررنگ در ارتباط حاکمان دینی با مردم و جنبش و تحرک مردم داشته است.

**ب: مسجد مرکز جنبش سیاسی**

یکی دیگر از کارکردهای مهم مساجد برای بالا بردن حضور سیاسی مردم را می توان تاثیرگذاری مساجد در بعد سیاسی و تفکرات سیاسی نام برد.
امروزه در دنیا می توان به تفکرات سیاسی از لیبرالیسم، اومانیسم، ناسیونالیسم و همچنین سکولاریسم... اشاره کرد که محتوایی منهای دین و شریعت در آنها موج می زند، لذا چون در تفکرات اسلامی دین منهای سیاست و سیاست منهای دین نمی باشد، بر همین اساس بهترین محل و ماورا برای القای تفکرات سیاسی دینی می توان به مساجد اشاره کرد.
از شواهد تاریخی تاثیر گذاری مساجد در سیاست می توان «يكى در اين واقعيت هويداست كه مسلمانان در پى هر فتح همواره مى‏كوشيدند مسجد اصلى خود را در مركز شهر و در مجاورت محلّ زندگى حاكم كه معمولاً دارالاماره ناميده مى‏شد ايجاد كنند. در برخى شهرها مسجد چنان نزديك «دارالاماره» ساخته مى‏شد كه هر دو ساختمان ظاهراً به هم متّصل بودند. اين پيوستگى نزديك نشانگر اين عقيده همگانى بود كه تمام قدرت سياسى و مذهبى در دست حاكم است: «خصلت ذاتى اسلام آن است كه سياست و مذهب نمى‏توانند از يكديگر جدا باشند. يك تن، حكمران و مجرى تمام اختيار اين هر دو مورد بود و يك ساختمان، يعنى مسجد مركز ثقل سياست و مذهب. همچنين رابطه‏ى مسجد و سياست را مى‏توان از اين جا نيز دريافت كه بيت‏المال هميشه در مسجد اصلى شهر نگهدارى مى‏شد.»[[7]](#footnote-8)
دقیقا این کارکرد مساجد را می توان در همین بعد سیاسی ان را در ابتدای انقلاب اسلامی مشاهده کرد، بطوری که محلی که بتواند نوع حکومت اسلامی، نقش مرجعیت و ولایت فقیه و در ادامه مدیریت اسلام در اجتماع و جامعه را باز گو کند، مساجد بودند و در طی این روشنگری هایی که در مساجد اتفاق می افتد مشاهده می کنیم که تجمعات و راهپیمایی هایی که در اول انقلاب اتفاق می افتاد منشا و محل شروع و آغاز ان از مساجد بوده است.
امام خمینی در مورد اینکه اگر در مساجد بحثی از سیاست نشود و در مقابل اسلام منهای سیاست یک اسلام تحریف شده است می فرمایند:
«اما راجع به اسلام شروع کردند تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است که می‌گوید: ملایم، کم‌کم لابد پیش می‌آیند، یک مکتبی است که مربوط به دعا و ذکر و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، و سیاست را کاری به آن ندارد، اسلام به حکومت کاری ندارد، به سیاست کاری ندارد، این را آنقدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند... که روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می‌کنم از این صنف کارها: درس بگوید و مباحثه بکند و آن آداب شرعیه را به مردم نشان دهد. آنها دیدند که نماز روحانیون و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد، هرچه می‌خواهند نماز بخوانند.»[[8]](#footnote-9)
بر همین اساس می توان امام خمینی را بعنوان یک فردی نام برد که نقش تعيين كننده‌ی مساجد را در دوران حكومت پیامبر و امیرالمومنین آنگونه که بود و بر اساس كاركرد سياسي مسجد در تاريخ معاصر احيا نمايد. به گونه اي كه پيروزي انقلاب اسلامي ايران بر محور مسجدها، ساختار سياسي در دوران پهلوی را به چالش كشاند و نقشه و طرحی نو در انديشه سياسي ایران عزیز با محوریت مساجد ارائه دادند.
حضرت امام نقش مساجد را به لحاظ سياسي و تحولات اجتماعي و تاثیر ان بر حضور سیاسی مردم در اجتماعات و راهپیمایی ها دارای اهميت ويژه اي دانسته و غفلت جوامع اسلامي از تأثير سياسي مسجد ها، عمده ترين عامل مشكلات مسلمانان در تاريخ معاصر بیان می دارند. مسائل و معضلات و تمامي گرفتاري هاي جوامع اسلامي به خصوص در دو قرن اخير، تنها در اثر توجه به بعد عبادي مسجد بوده كه نتايج آن، سلطه استعمارگران بر سرزمين هاي اسلامي و غارت منابع دنياي اسلام گرديد[[9]](#footnote-10).
بر همین اساس می توان گفت که مساجد مهم ترين مركز مبارزه مسلمانان با کفر بر اساس روشن‌گری ها و ایجاد شور و اشتیاق برای مبارزه با دشمن دین و کشور است و به همین دلیل است که این پیر فرززانه مسجد را سنگر و سفارش به خالی نکردن این سنگر می فرمایند.

**ج: مسجد مرکز جنبش اجتماعی**
یکی از دستورات و ارکان مهم و مورد سفارش دین مبین اسلام بحث مسئولیت در قبال یکدیگر است همانطور که در روایات ما بدان بسیار سفارش شده است؛ پیامبر اکرم(ص) در این مورد می فرمایند: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ‏ مَسْئُولٌ‏ عَنْ رَعِيَّتِه‏. تمام افراد شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و شبان ديگران هستيد و تمام شما نسبت به تمام خودتان مسؤوليد.»[[10]](#footnote-11)
و می توان مضمون این روایت را در این شعر سعدی یافت.
بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
شهید مطهری وقتی در کتاب حماسه‌ی حسینی این روایت را تفسیر می فرمایند در آنجا به دو نکته اشاره می کنند.
اینکه ما نسبت به هم تعهد داریم و این تعهد نیز بر مبنای تعالیم اسلامی است و این وظیفه بر اساس دو حالت بدست می آید.
**1: آگاهی و اطلاع زیاد
2: قدرت و نیروی لازم**
«تعبيري از اين بالاتر نمي توان كرد، يعني ايجاد نوعي تعهد و مسؤوليت مشترك ميان افراد مسلمان براي حفظ و نگهداري جامعه اسلامي بر مبناي تعليمات اسلامي. چنين وظيفه سنگيني اولاً آگاهي و اطلاع زياد مي‎خواهد، يعني هر فرد يا اجتماع ناآگاهي نمي تواند اين وظيفه را به خوبي انجام دهد، و ثانياً قدرت و امكان مي‎طلبد. انجام دادن چنين مسؤوليت بزرگ و چنين تكليف بسيار بزرگي احتياج به قدرت و نيرو دارد، و ما قدرت و نيروي لازم را براي اين موضوع كسب نكرده ايم. نيرو را بالقوه داريم ولي اين نيرو را جمع نمي‎كنيم.»[[11]](#footnote-12)
بر این اساس مساجد می توانند مأمن خوبی برای آگاهی و اطلاع رسانی از مسئولیتهایی که خداوند در اختیار ما قرار داده است مثل حق همسایه، مبارزه با ظلم، ظلم واستکبار ستیزی... را انجام دهند، از طرفی مساجد می توانند نیرو و قوه در درون افراد متحد در مسجد ایجاد کنند که یدالله مع الجماعه و شاید یکی از حکمتهای تاکید بر جماعت همین ایجاد قدرت بین مسلمین باشد. لذا مشاهده می کنیم که از ابتکارات مهم حضرت امام در ابتدای انقلاب این است که مساجد را محور برای بسیاری از کارهای اجتماعی قرار داده اند.
مقام معظم رهبری در مورد این ابتکار حضرت امام و محوریت مساجد در بحثهای اجتماعی می فرمایند:
«آن روزهای اوّل انقلاب، آنهایی که یادشان است می‌دانند که همه‌چیز در هم ریخته بود: سلاح بیاورند، جمع کنند، از اینجا بردارند، [نکند] دستهای غیر مأمونی به کارهایی دست بزنند؛ مرکز تشکّل لازم بود، هسته‌ی مرکزی لازم بود؛ این هسته‌ی مرکزی را امام بلافاصله همان روز اوّل، حتّی قبل از اینکه اعلام پیروزی بشود، معیّن کردند: مساجد. هرکس از هرجا مثلاً سلاح دست می‌آورد، ببرد [به مساجد]. بعد هم یک سازمان‌دهی عظیم مسجدی تشکیل شد و به وجود آمد که همان کمیته‌های انقلاب بودند، که تا مدّتهای طولانی همه‌ی کارهای انقلاب را اینها انجام می‌دادند، و درواقع همه‌ی کارهای کشور را اینها انجام می‌دادند. مسجد یک چنین خصوصیّتی دارد.»[[12]](#footnote-13)
بعد از انقلاب اسلامی در سال 57 و ایجاد تفکر انقلابی و بدور از هرگونه سیاست زدگی و حزب گرایی یکی از مهمترین ارکان برای پروش نیروهای مخلص و پا به کار در عرصه‌ی اجتماع مساجد هستند مساجد می توانند با بکار گیری جوانان و در ادامه شناخت معضلات و مشکلات اجتماعی و سیاسی سعی در کادر سازی و پرورش نیروهایی بر ای آینده‌ی کشور داشته باشند، که مقام معظم رهبری تعبیر به عنوان «هسته مقاومت» بیان می دارند.
مساجد می توانند با تاکید بر ایمان به خدا و معارف اسلامی و تعهد و پایبندی به وظایف دینی در افراد یک شور و شوق و انگیزه‌ای در افراد ایجاد کنند که هر گونه سم‌پاشی و ایجاد خطر فرهنگی برای کشور را از بین ببرند، لذا مقام معظم رهبری یکی از عوامل تغییر در نظام ایران و همچنین مقابله با استکبار و ظلم را همین معارفی می دانند که در مساجد نشر و انتشار داده می شود که اگر بتوانیم این معارف را در افراد جامعه نهادینه کنیم به وسیله‌ی تبلیغ مناسب، برخورد اهالی مسجد با مردم به شیوه‌های مناسب، امر به معروف و نهی از منکرو... که همه‌ی اینها از بستر مسجد نشأت می گیرد می تواند یک امر مهم در هسته‌ی مقاومت باشد.
مقام معظم رهبری در مورد هسته‌ی مقاومت توسط مساجد و نقش آن در تحرک سیاسی و اجتماعی می فرمایند:
«ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهّد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران می‌رفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان‌که دیگران رفتند.
بنابراین، آماج حمله‌ی آنها همین چیزی است که این بنای اسلامی را به وجود آورده؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که ما دیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. یک مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلدبودن شیوه‌ی مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمانِ مردم را کشاند به سمت این هدف بلند و مردم به میدان آمدند؛ وقتی مردم در میدان بودند، هیچ قدرت مادّی‌ای کاری نمی‌تواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم است که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتّکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن‌]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.»[[13]](#footnote-14)

**روضه:**
یکی از تجلی حضور سیاسی مردم را می توان به بیعت مردم با امیرالمومنین علی (ع) بعد مرگ خلیفه سوم اشاره کرد تا جایی که حضرتمی فرمایند نزدیک بود حسن و حسین(علیهما السلام) زیر پاها له شوند ولی درعوض همین مردم بعد از چند سال حضرت را تنها گذاشته و حضرت در غربت به شهادت می رسند.
دور شمع پیکرت، گردیده ام خاکسترت
ای به قربان تو و این رنگ زرد پیکرت

از نفس های بلندت میل رفتن می چکد
حق بده امشب بمیرم در کنار بسترت

تا نگیرد خون تازه گوشه ی تابوت را
مهلتی تا که ببندم دستمالی برسرت

حیف شد، از آن­همه دلواپسی کودکان
کاسه های شیر­ مانده روی دست دخترت

کاش می­مردم نمی­دیدم به خاک افتاده است
هیبت طوفانی دلدل سوار خیبرت

خلوت شبهای سوت و کور نخلستان شکست
با صدای وا علی و وای حیدر حیدرت

شهر کوفه تا نگیرد انتقام بدر را
دست خود را بر نمی دارد پدر جان از سرت

با شمایی که امیر کوفه اید اینگونه کرد
الامان از کاروان دختر بی معجرت

می روی اما برای صد هزاران سال بعد
میل احسان می نماید غیرت انگشترت[[14]](#footnote-15)
مثه پریشبی، همه کنار بسترش حلقه زدن هر کی یه جمله ای می گه، اما عقیله ی بنی هاشم اومده یه سوالی کرد ، گفت بابا ام ایمن برام قصه ی کربلا رو گفته ، می دونه که این راسته، پیغمبر فرموده بود قبلا، از چهارسالگی زینب بهش فرموده بود، اما می خواد این لحظات آخر، لسان الله الناطق پرده برداری کنه، جلوه ای ازین بلا عظیم کربلا رو هم علی بگه، گفت بابا ام ایمن چنین برام گفته، درسته یا نه؟!!
فرمود سخن همونی که بهت گفته اما من اضافه ترش می کنم"كَأَنِّی بِكِ وَ بِنَِاتءِ أَهْلِكِ سَبَایَا" دارم می بینم تو و بچه های اهل بیت و زن و بچه ی حسینم و تو همین شهر با لباس اسیری وارد می کنن... ( احترام می کنن یا نه؟)
"أَذِلَّاءَ خَاشِعِینَ...." دیگه ترجمه نمی کنم ..." یه جلوه ی أَذِلَّاءَ اینه: دید دارن به بچه ها صدقه می دن، فرمود: إِنَّ الصَّدَقَة عَلَیْنَا حَرَّامَ ..." حالا که اینجوریه دخترم، من ازت یه خواهشی دارم، اونم اینه: فَاصْبِرْ صَبْراً ...
بیست و یک سال ازین پیش گویی بابا گذشت...؛ وارد همین کوفه شد، همین که شروع کرد خطبه بخوانه، همه نفس ها تو سینه حبس شد شروع کرد خطبه خواندن، یه وقت دید این جمعیتی که همه سکوت کرده بودن یه همهمه ای بینشون افتاد ... یا للعجب کیه ولایتش بر ولایت زینب برتری داره؟ پرده ی محمل و کنار زد دید همه با دست دارن به سر بریده ای اشاره می کنن دیگه با جمعیت حرفی نزد... رو کرد سمت سر بریده "یا هلالاً لمّا استتمّ كَمَالاً" جواب نیومد ... "ما توهمت یا شقیق فؤادی" جواب نیومد... اخه فاطمه بنت احسن تو بغل زینبه ، نباید یه جوری حرف بزنه این بچه متوجه بشه... دیگه بند دلش پاره شد ... فرمود:
«یا أخی فاطمه الصغیرة کلمها » با من حرفی نمیزنی، نزن، اما ببین این بچه،«فقد کاد قلبها أن یذوبا» داره جون میده .... ای حسین ....[[15]](#footnote-16)

1. پایگاه اطلاع رسانی حوزه(اندیشه سیاسی شهید مطهری) [↑](#footnote-ref-2)
2. آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، 1393، ج10، ص174. [↑](#footnote-ref-3)
3. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران (31/5/1395). [↑](#footnote-ref-4)
4. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار(ط - بيروت)، دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ: دوم، 1403 ق، ج53، ص11. [↑](#footnote-ref-5)
5. صحیفه امام خمینی، ج 7، ص 65. [↑](#footnote-ref-6)
6. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران (31/5/1395). [↑](#footnote-ref-7)
7. مكى سباعى، محمد، تاريخ كتابخانه‏هاى مساجد ، ص 39 تا 42. [↑](#footnote-ref-8)
8. صحیفه امام، ج4، ص16. [↑](#footnote-ref-9)
9. همان، ج18، ص88 [↑](#footnote-ref-10)
10. شعيري، محمد بن محمد، جامع الأخبار(للشعيري)، مطبعة حيدرية ، نجف، چاپ اول، بى تا، ص119. [↑](#footnote-ref-11)
11. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (حماسه حسینی)، ج17، ص282. [↑](#footnote-ref-12)
12. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران (31/5/1395). [↑](#footnote-ref-13)
13. همان. [↑](#footnote-ref-14)
14. علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-15)
15. استاد میرزا محمدی [↑](#footnote-ref-16)